

گونه‌شناسی مطالعات توسعه سیاسی ایران

غلامرضا محمدی مهر*
مجید توسلی رکن‌آبادی**
ابوالقاسم طاهری***
افسانه ادریسی****

چکیده

در این مقاله به گونه‌شناسی مطالعات توسعه سیاسی ایران پرداخته شده است. هدف پژوهش، شناسایی تنوع مطالعات مرتبط با توسعه سیاسی ایران، روش آن،

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی (مسائل ایران)، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (r43mehr@yahoo.com)
** (نویسنده مسئول) دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (tavasoli@gmial.com)
*** استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (Dr.Taheri @ yahoo.com)
**** دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران (Edrisiafsaneh@yahoo.com)

تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۸/۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۳۰

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۰۳-۱۳۴

مرور نظام‌مند و جامعه آماری آن، تمام کتاب‌های مرتبط با توسعه سیاسی ایران پس از انقلاب اسلامی است که تعداد آن‌ها در این پژوهش، به ۱۴۵ مورد رسیده است. براساس یافته‌های پژوهش، تقریباً بیش از نیمی از کتاب‌ها در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵ منتشر شده‌اند و در ۷۶/۶ درصد آن‌ها، عوامل زوال یا انحطاط سیاسی ایران بررسی شده است. رهیافت بیشتر کتاب‌ها، مدرنیزاسیون و دموکراتیزاسیون بوده و در بخش قابل توجهی از کتاب‌ها، از روش تاریخی-تجربی استفاده شده است. تقریباً در ۳۰ درصد از کتاب‌ها، عامل اصلی توسعه‌نیافتگی سیاسی ایران، استبداد و اقتدارگرایی، مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی، و شکاف بین سنت‌گرایی و تجددطلبی عنوان شده است. اگرچه در این مطالعات، از الگوبرداری محض از نمونه‌های کلاسیک غربی، پرهیز و به بومی‌سازی علوم سیاسی-اجتماعی ایران پرداخته شده، ولی این امر خود به کثرت و تنوع دیدگاه‌ها و نبود تصویر روشنی از توسعه سیاسی ایران انجامیده است و بنابراین، یکی از مهم‌ترین عوامل تنوع دیدگاه‌های صاحب‌نظران در این زمینه است.

واژگان کلیدی: توسعه سیاسی، توسعه سیاسی ایران، توسعه‌نیافتگی سیاسی ایران، گونه‌شناسی، روش مرور نظام‌مند

مقدمه

از پی‌ریزی مطالعات توسعه سیاسی توسط کمیته سیاست تطبیقی شورای پژوهش علوم اجتماعی آمریکا (رندال، ۱۳۹۳: ۱۹) بیش از نیم قرن سپری شده است و در این مدت، اندیشمندان و صاحب‌نظران در چارچوب رهیافت‌ها و نظریه‌های گوناگون به پژوهش درباره فرایند توسعه سیاسی جوامع مختلف پرداخته‌اند. جریان توسعه‌گرایی کلاسیک و در چارچوب آن، مدرنیزاسیون، رهیافت نخستین پژوهش‌ها بود و به تدریج و به‌منظور چیره شدن بر ضعف‌ها و کاستی‌های نظریه‌های نوسازی، جریان بازسازی جامعه‌شناسی و مطالعات تاریخی (بدیع، ۱۳۷۶: ۲۲؛ Huntington, 1971: 306) و نیز وابستگی (Hagopian, 2000: 888)، چارچوب‌های کلان مطالعات را فراهم کردند و به دنبال این رویکردها در دهه‌های اخیر، نظریه‌های دموکراتیزاسیون (Riggs, 1981: 325) و حکمرانی خوب (Sikander, 2015: 145) نیز مطرح شده‌اند.

بی‌تردید، پژوهش در چارچوب هر یک از رهیافت‌ها، با نظریه‌ها و ابزارهای مفهومی متنوع انجام شده و هر اندیشمندی برای رفع نیازهای نظری خود و تحلیل و تئوریزه کردن پدیده‌های فراوان اجتماعی، مفاهیم مرتبط را به کار گرفته و در نتیجه بر تنوع و گستره معنایی آن افزوده است. بی‌جهت نیست که صاحب‌نظران درباره معنای این مفهوم اتفاق نظر ندارند و تنها در یک چیز هم‌نظر هستند و آن هم چندبعدی بودن این مفهوم است؛ به‌عنوان نمونه، لوسین پای^۱، که از نظریه‌پردازان پیشکسوت سیاست تطبیقی است، برای توسعه سیاسی، ۱۱ تعریف پیشنهاد می‌کند که مفاهیمی مانند پیش‌نیاز سیاسی توسعه اقتصادی، افزایش ظرفیت دولت، خلق

یک دولت‌ملت پایدار، بسیج عمومی مشارکت مردم، و جنبه‌ای از پدیده چندبعدی تغییر اجتماعی را دربرمی‌گیرد (امین‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۰۶). این تعریف در دهه ۱۹۶۰ ارائه شده و مشخص است که تاکنون گستره معنایی توسعه سیاسی بسیار وسیع‌تر و غنی‌تر شده است.

در ایران، تألیف و ترجمه درباره توسعه سیاسی و به‌ویژه توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی سیاسی ایران، در مقایسه با غرب، عمر زیادی ندارد و بیشتر محدود به سال‌های پس از انقلاب اسلامی است. در این میان، می‌توان از کتاب‌های «موانع تحقق توسعه سیاسی در دوره سلطنت رضاشاه» (سردارآبادی، ۱۳۷۸)، «موانع حقوقی توسعه سیاسی در ایران» (کار، ۱۳۷۹) و «موانع توسعه سیاسی در ایران»^(۱) (بشیریه، ۱۳۸۰) نام برد. اگر نگارش در این زمینه، به همین آثار محدود می‌شد، بررسی ثانویه آن، آسان به‌نظر می‌رسید، در حالی که ابعاد چندوجهی و شاخص‌های متکثر توسعه سیاسی و همچنین، مسائل بغرنج سیاسی-اجتماعی ایران، باعث شده است که هر صاحب‌نظر و نویسنده‌ای با درنظر گرفتن تعریف بُعد یا شاخص ویژه‌ای از توسعه سیاسی، به تحلیل مسائل ایران بپردازد و ضمن افزودن به حجم آثار، سبب تنوع دیدگاه‌ها شود. کثرت و تنوع دیدگاه‌ها به‌حدی است که ارائه تحلیل جامع و مانعی از توسعه سیاسی ایران را دشوار می‌کند و نمی‌توان تصویر کاملی از عوامل توسعه‌نیافتگی ایران ترسیم کرد. این درحالی است که تاکنون هیچ مطالعه‌ای در مورد این آثار انجام نشده و از چندوچون آن، شناخت دقیقی به‌دست نیامده است. بدیهی است که آگاهی دقیق و متقن از مطالعات توسعه سیاسی ایران، در وهله نخست، نیازمند شناخت تنوع و درواقع، گونه‌شناسی این آثار است. این پژوهش با هدف گونه‌شناسی مطالعات و آثار مرتبط با توسعه سیاسی ایران، که در قالب کتاب منتشر شده‌اند، انجام شده است و در این مورد، پرسش اصلی این است که «تنوع مطالعات مرتبط با توسعه سیاسی ایران چگونه است؟» به عبارت دیگر، «در مطالعات توسعه سیاسی ایران، کدام ابعاد، شاخص‌ها، محورها، و روش‌ها کاربرد داشته‌اند و بیشتر بر چه عواملی به‌عنوان عوامل توسعه‌نیافتگی سیاسی ایران تأکید دارند؟»

۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

با وجود اینکه درباره «توسعه سیاسی ایران» آثار بسیاری نوشته شده است، بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که تاکنون پژوهش‌های جامعی درباره «مطالعات و پژوهش‌های مرتبط با توسعه سیاسی ایران»، انجام نشده است و از کمیت و کیفیت و همچنین، نقاط قوت و ضعف این مطالعات، اطلاع چندانی در دست نیست؛ برای مثال، اینکه کدام‌یک از رویکردها، ابعاد، و شاخص‌های توسعه سیاسی در ایران، بیشتر مدنظر قرار گرفته یا به کدام موضوعات توجه نشده است، مشخص نیست. با توجه به اینکه بسیاری از آثار در قالب کتاب‌های دانشگاهی روانه بازار می‌شوند و مخاطب آن‌ها، بیشتر دانشجویان هستند، آگاهی یافتن از تنوع آثار، ضرورت پیدا می‌کند. بی‌تردید تداوم پژوهش‌های علمی و دانشگاهی، نیازمند آگاهی دقیق از پیشینه پژوهش‌های مرتبط است.

نکته دیگر اینکه در فضای دانشگاهی علوم سیاسی کشور، درباره توسعه سیاسی ایران و عوامل مؤثر بر آن، اختلاف‌نظرهای فراوانی دیده می‌شود؛ به‌حدی که نمی‌توان در مورد ریشه‌های شکل‌گیری ایران کنونی، تصویر مشخصی به‌دست آورد. این امر به‌نوبه خود، موجب انجماد مواضع می‌شود؛ به این معنی که هر نظریه‌پردازی، نظریه خود را در تحلیل تحولات ایران، بی‌نقص دانسته و در مقابل دیگران، موضع رد و انکار می‌گیرد؛ بنابراین، انجام پژوهشی مروری درباره آثار و نوشته‌هایی که به‌عنوان کتاب‌های دانشگاهی در رشته علوم سیاسی ایران نوشته می‌شوند و تعداد زیادی از دانشجویان آن‌ها را مطالعه می‌کند، از ضرورت‌های دیگر این پژوهش است. بی‌شک، چنین مطالعه‌ای، بخش مهمی از دلایل اختلاف‌نظر اندیشمندان را مشخص می‌کند.

افزایش تعداد آثار درباره تحولات سیاسی-اجتماعی ایران، یکی دیگر از مسائلی است که در حال حاضر، در محیط دانشگاهی علوم سیاسی ایران، به‌چشم می‌خورد. کم نیستند نوشته‌هایی که در شکل و قالبی جدید، اندیشه‌ها و مواضع اندیشمندان شاخص را تکرار کرده‌اند؛ بنابراین، بررسی آثار یادشده می‌تواند ارجاع به این آثار را با تأمل بیشتری همراه کند. در مورد پراکندگی و تعدد آثار، نکته مهم، نبود دسته‌بندی و گونه‌شناسی است. توسعه سیاسی، گستره معنایی وسیعی دارد و

شاید بتوان گفت، تمام مضامین و مطالب مرتبط با تحولات سیاسی-اجتماعی معاصر ایران را دربر می‌گیرد. در حال حاضر، از تعداد و فهرست و عنوان‌ها و اینکه هر اثر در کدام رده مفهومی قرار می‌گیرد، شناخت دقیقی وجود ندارد و این مسئله به‌ویژه برای دانشجویان و علاقه‌مندان کم‌مهارت، به تشتت فکری منجر خواهد شد؛ بنابراین، هر نوع مطالعه‌ای، پیش از هرچیز، نیازمند گونه‌شناسی این آثار است.

۲. پرسش‌های پژوهش

۱. مطالعات توسعه سیاسی ایران، بیشتر بر چه دوره‌ای تمرکز داشته‌اند؟
۲. در مطالعات توسعه سیاسی ایران، کدام‌یک از ابعاد، شاخص‌ها، منابع، و روش‌ها مورد استفاده بوده است؟
۳. در آثار مرتبط با توسعه سیاسی ایران، چه عواملی بر توسعه‌نیافتگی سیاسی ایران تأثیرگذار بوده‌اند؟
۴. آیا در آثار مرتبط، به ابداع مفاهیم جدید نیز پرداخته شده است؟

۳. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشی درباره موضوع نوشتار حاضر انجام نشده است و در اینجا تنها چکیده‌ای از چند گونه‌شناسی مشابه را بررسی می‌کنیم. /میر دبیری مهر، به‌طور کلی، مطالعات توسعه سیاسی را در قالب نظریه‌های پنج‌گانه به این شرح طبقه‌بندی کرده است: «نظریه‌های مرتبط با ضرورت‌ها»، «لوازم و تمهیدات»، «آثار و پیامدها»، «فرایندها»، و «موانع» (دبیری مهر، ۱۳۹۳: ۱۸۳-۱۸۰).

/میرمحمد حاجی یوسفی نیز روش‌های مطالعه جامعه‌شناسی سیاسی ایران را به چهار دسته «تحلیل فرهنگ سیاسی و نخبه‌گرایی»، «تحلیل طبقاتی»، «تحلیل اقتصادی-سیاسی»، و «تحلیل گفتمانی» تقسیم کرده است (حاجی یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۰۵).

در مقاله مجتبی مقصودی و مرتضی فتاحی «مشکلات ناشی از استمرار و ضرورت افزودن سایر گونه‌های غالب بر مطالعه جامعه‌شناسی سیاسی ایران» را بررسی کرده‌اند (مقصودی و فتاحی، ۱۳۸۶: ۱۱۱).

اسماعیل عالی‌زاده در پایان‌نامه خود، توسعه سیاسی را به‌طور کلی در دو سطح

فردی شامل: مشارکت سیاسی، حقوق سیاسی، و آزادی سیاسی، و سطح نهادی شامل: ایجاد سازوکارهای حل منازعه و ایجاد سازوکارهای اطلاع‌رسانی، شفاف‌سازی، و پاسخ‌گویی طبقه‌بندی کرده است (عالی‌زاده، ۱۳۹۰).

۴. چارچوب نظری

به‌منظور پی بردن به تنوع مطالعات انجام‌شده درباره توسعه سیاسی، ارائه تعریف دقیقی از آن ضرورت دارد. در این قسمت سعی شده است از خلال تعریف‌های صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه سیاست تطبیقی و علوم سیاسی، چارچوب و گستره آن مشخص شود.

از زمان گسترش و نضج گرفتن مطالعات توسعه سیاسی، یعنی دهه ۱۹۶۰ تاکنون، اندیشمندان برای ارائه معنای یگانه‌ای از توسعه سیاسی، به اتفاق‌نظر نرسیده‌اند و مرور دیدگاه‌های آن‌ها، شاهد این مدعا است.

لوسین پای و سیدنی وریا^۱، توسعه سیاسی را حول سه محور تعریف کرده‌اند: «توسعه سیاسی حول محور مردم، یعنی تغییر از وضعیت پراکندگی گسترده مردم به نوعی انسجام در حال گسترش بین شهروندان فعال. توسعه سیاسی حول محور نظام سیاسی، یعنی گسترش ظرفیت نظام سیاسی در اداره امور عمومی، کنترل اختلافات و برآمدن از عهده پاسخ‌گویی به تقاضاهای عمومی، و توسعه سیاسی حول محور سازمان حکومت، یعنی افزایش تمایز ساختاری و تخصصی شدن کارکردها و متمرکز شدن همه سازمان‌ها و نهادهای مشارکت‌کننده (فرقانی، ۱۳۸۲: ۱۱۰). پای در مقاله معروفی با عنوان «تعریف توسعه سیاسی»، پس از برشمردن تعریف‌های ده‌گانه از این مفهوم، ویژگی‌ها و مضمون‌های مشترک این مفاهیم را حول سه مقوله طبقه‌بندی کرده است: برابری، ظرفیت و تخصصی شدن، و تفکیک نهادی (Pye, 1965: 12).

محسن امین‌زاده، پس از بررسی کامل مفهوم توسعه سیاسی، معنای این مفهوم را در دو محور خلاصه کرده است: «توسعه سیاسی، یک بعد از ابعاد چندگانه توسعه ملی است که در دو محور متجلی می‌شود:

۱. توسعه کارایی و نهادمندی سیستم سیاسی (دولت)؛
۲. توسعه کارایی و نهادمندی حوزه تبادل نظر و تفاهم ملی (گستره همگانی).»
(امین‌زاده، ۱۳۷۷: ۱۱۶).

هانتینگتون و دامینگز^۱ با بررسی متون توسعه سیاسی از اوایل دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۵ بیان کرده‌اند که با انبوهی از تعریف‌ها روبه‌رو شده‌اند. بنابراین گفته این صاحب‌نظران، اصطلاح توسعه سیاسی به چهار طریق کلی به‌کار رفته است که عبارتند از: جغرافیایی، استنتاجی، غایت‌گرا، و کارکردی.

این مفهوم به‌لحاظ جغرافیایی، به نظام‌های سیاسی کشورهای درحال توسعه در آسیا، آفریقا، و آمریکای لاتین اشاره دارد و در این حالت، توسعه سیاسی، ویژگی‌ها یا محتوای خاصی ندارد و براساس آن، به کشورهای فقیر و کمترصنعتی نسبت داده می‌شود. براساس تعریف استنتاجی، توسعه سیاسی برآمده از فرایند نوگرایی است و بیشتر برمبنای نوگرایی سیاسی مشخص می‌شود؛ بنابراین، محور توجه، انتقال از جامعه سنتی به جامعه مدرن و صنعتی است. از دیدگاه غایت‌گرایانه، توسعه سیاسی در قالب حرکت به‌سوی هدف یا هدف‌های سیستم سیاسی تعریف می‌شود. هدف‌ها ممکن است منفرد یا چندگانه باشند. این هدف‌ها عبارتند از: دموکراسی، ثبات، مشروعیت، مشارکت، بسیج توده‌ها، نهادی کردن، برابری، ظرفیت، گوناگونی، هویت، نفوذ، توزیع، انسجام، عقل‌گرایی، دیوان‌سالارانه شدن، امنیت، رفاه، عدالت، و آزادی. رویکرد کارکردی، حرکت به‌سوی نوع خاصی از سیستم سیاسی است؛ به‌سوی ویژگی‌های سیاسی یک جامعه مدرن و صنعتی؛ برای مثال، احزاب سیاسی ممکن است به‌عنوان ضرورت کارکردی در چنین جامعه‌ای در نظر گرفته شوند؛ بنابراین، تکامل احزاب سیاسی، جنبه مهمی از توسعه سیاسی است. از این جهت توسعه سیاسی از نوگرایی مشتق نمی‌شود و متشکل از پیامدهای سیاسی نوگرایی نیست، بلکه به شرایط لازم سیاسی برای یک جامعه نو که در پی کارکردی مؤثر است، اشاره دارد (هدی، ۱۳۹۰: ۵۴-۵۵).

هاگوپیان^۲ در تعریف توسعه سیاسی می‌نویسد: «توسعه سیاسی را می‌توان

1. Huntington and Domingez
2. F. Hagopian

به معنای بسط و رشد (یا قبض و از دست رفتن) ظرفیت جوامع برای سازماندهی کنش سیاسی و فراهم کردن زمینه لازم برای اعمال کنترل و حکمرانی دولت‌ها دانست. مطالعات توسعه سیاسی بر این مبنا می‌تواند بر گسترش الگوهای تجمع سیاسی، راه‌ها و مسیرهای مشارکت سیاسی، نهادهای رسمی و غیررسمی نمایندگی سیاسی (اعم از پارلمان، کمپین‌های سیاسی، و...)، و الگوهای حکمرانی متمرکز شود (Hagopian, 2000: 902).

هاگوپیان در تعریف یادشده به نکته‌ای اشاره می‌کند که پیش از آن، هانتینگتون و اندیشمندان دیگری مطرح کرده بودند و آن هم مسیر تغییرات است. منظور از «قبض و از دست رفتن»، ویژگی‌های منفی و حرکت در جهت خلاف ویژگی‌های مثبت توسعه سیاسی است. هانتینگتون در مقاله مشهور خود^۱، با بررسی وضعیت کشورهای رهاشده از استعمار پس از جنگ جهانی دوم بیان می‌کند که با توجه به تحولات سیاسی-اجتماعی، لزوماً دگرگونی‌های سیاسی به توسعه سیاسی ختم نشده‌اند (هدی، ۱۳۹۰: ۶۳). اندیشمند دیگری در کتاب خود با عنوان «سیاست تطبیقی»، فصلی را به توسعه سیاسی اختصاص داده و با بسط نظریه هانتینگتون، توسعه سیاسی را با شاخص‌های مثبت بیست‌ودوگانه و شاخص‌های منفی پانزده‌گانه مشخص کرده است. دولت‌سازی، ملت‌سازی، افزایش تعداد انتخابات آزاد و برابر، تمرکززدایی سیاسی، تحمل مخالفان، استقلال قوه قضائیه، استقرار حکومت قانونی، و غیرسیاسی بودن نیروهای نظامی از جمله ویژگی‌های مثبت، و سرکوب مخالفان، فساد گسترده، ناکارآمدی در اجرای سیاست‌ها، تمرکز قدرت، و دخالت خارجی در مسائل داخلی، از جمله شاخص‌های منفی در توسعه سیاسی هستند (Johari, 1990: 178-79).

در تعریفی متأخر از توسعه سیاسی، دامین کینگزبری^۲ می‌نویسد: «اندیشه پیشرفت^۳ سیاسی از یک حالت کمتر مطلوب به یک حالت مطلوب‌تر و شرایطی که آن را ممکن می‌کند، می‌تواند توسعه سیاسی نامیده شود... پیشرفت، یک تعریف

1. Political development and Political Decay

2. D. Kingsbury

3. Progress

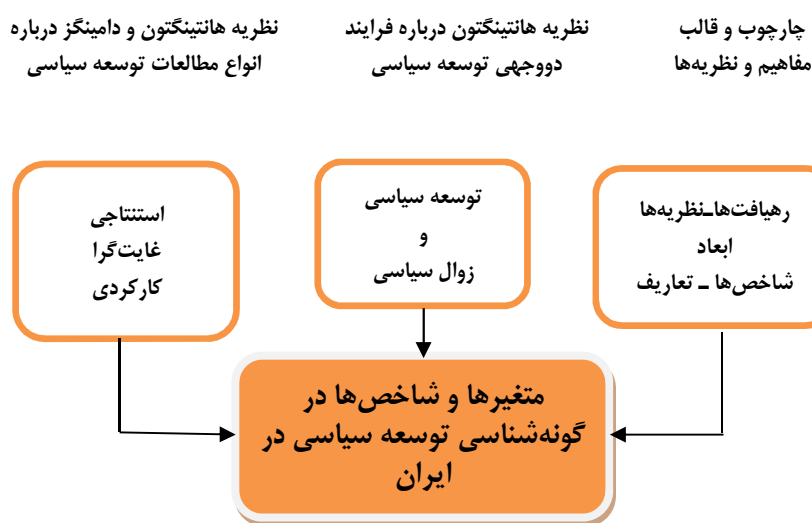
خاص یا همیشه ثابت ندارد و بی تردید، نمی تواند با درک اقتصادی مدرن پیشرفت به عنوان صنعتی سازی یا شاید حتی توسعه اقتصادی پسا صنعتی، آمیخته شود. به گونه ای مشابه، بر نتیجه ای قطعی برای امور اجتماعی، دلالت ندارد. این امر به معنای پیشرفت در امور بشر است و مهم تر اینکه، مردم چگونه روابط خود را با یکدیگر سازماندهی و چگونه قدرت را آشکار و متمرکز می کنند، یا به اشتراک می گذارند.» (Kingsbury, 2007: 4-9). وی بر اساس یک دیدگاه فلسفی درباره توسعه سیاسی، بر این نظر است که اندیشه های آزادی و برابری، در مرکز توسعه سیاسی قرار دارند و این ایده ها به نوبه خود، متأثر از اندیشه امر خیر هستند و به دورانی بسیار پیشین تر از عصر روشنگری مربوط می شود؛ اندیشه ای به قدمت خود سیاست یا دست کم، به قدمت رقابت درون سیاست بر سر دیدگاه های متفاوت درباره امر خیر (Kingsbury, 2007: 1).

نگاهی به دیدگاه های مرور شده نشان می دهد که مفهوم توسعه سیاسی، مفهومی چندبعدی و بسیار سیال است که هم فرایندها را دربر می گیرد و دال بر دگرگونی نظام های سیاسی جوامع از سنتی به مدرن است، و هم اهداف و غایت های جوامع نوین را شامل می شود که در مفاهیمی مانند دموکراسی، جامعه مدنی، و حکمرانی خوب متجلی می شود و همچنین، شامل ابعاد و ویژگی هایی می شود که به عنوان معیار تشخیص جوامع توسعه یافته در نظر گرفته می شوند. مشارکت سیاسی، تساهل، عقلانیت، و قانون گرایی، از جمله این شاخص ها هستند. این اصطلاح، افزون بر دگرگونی های مثبت، زوال و تخطی از ویژگی های نظام های سیاسی ایده آل را نیز دربر می گیرد؛ بنابراین، مطالعه اقتدارگرایی و استبداد و مفاهیم مشابه را نیز شامل می شود. به این ترتیب، شاید به قول یکی از صاحب نظران، توسعه سیاسی نیز مانند دیسیپلین سیاست تطبیقی، «همه چیز است و هیچ چیز نیست» (Johari, 1991: 191).

اگرچه توسعه سیاسی، تنوع و گستره معنایی بسیاری دارد، ولی این امر باعث پذیرش دیدگاه اخیر نمی شود. پذیرفتن این دیدگاه به آشنفتگی معرفت شناختی می انجامد؛ در حالی که هدف علوم اجتماعی در وهله نخست، شناخت، توصیف، و طبقه بندی پدیده های اجتماعی است. از سوی دیگر، هدف این پژوهش، مطالعه توسعه یا توسعه نیافتگی سیاسی ایران نیست، بلکه به واکاوی مطالعاتی می پردازد که

توسعه سیاسی ایران را بررسی کرده‌اند؛ بنابراین، بدون تعریف دقیق و کامل نیز می‌توان پژوهش را انجام داد. باین حال، در اینجا نتیجه نهایی بررسی مبانی نظری ارائه می‌شود که چارچوب کلی را مشخص می‌کند و بررسی مطالعات موجود در این چارچوب، گونه‌شناسی آثار را مشخص خواهد کرد. این چارچوب که به‌عنوان پشتوانه نظری پژوهش کاربرد دارد، در شکل زیر ارائه شده است.

شکل شماره (۱). الگوی نظری و مفهومی گونه‌شناسی مطالعات توسعه سیاسی در ایران



۵. تعریف مفاهیم

گونه‌شناسی: در دایرةالمعارف علوم اجتماعی، در تعریف گونه‌شناسی آمده است: «گونه‌شناسی، تقسیم‌بندی و تنظیم داده‌ها است، با توجه به مشخصات آن‌ها و بر پایه معیار یا معیارهای خاص. این معیارها می‌توانند عینی، ساده، و غیرمتعدد باشند» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۸۲۶). نیک‌گهر نیز در تعریف سنخ اجتماعی می‌نویسد: «وجود خصوصیات مشترک میان افراد، ملاک اصلی تعریف سنخ اجتماعی است. سنخ‌شناسی یا نوع‌شناسی، از فرایندهای ذهنی مشترک میان انسان‌ها است. مبنای هر علمی بر سنخ‌شناسی استوار است، زیرا به‌کمک آن می‌توان صفات و رفتار مشترک چیزهای مشابه را فهمید» (نیک‌گهر، ۱۳۶۹: ۸۲). ساروخانی در منبع دیگری، خطوط و ویژگی‌های اصلی گونه‌شناسی را چنین برمی‌شمارد:

۱. سازندگی: هر گونه‌شناسی‌ای، بُعد سازنده‌ای دارد، یعنی واقعیت را از دید خاصی بازسازی می‌کند و در جریان آن، انواعی آفریده می‌شود؛ ۲. تعبیه فضاهای خاص: در درون هر گونه، فضای خاصی پدید می‌آید که در آن، اعضای خاص جای می‌گیرند و اصل در این فضا، تشابه است؛ ۳. جداسازی؛ ۴. تقلیل: در تقلیل به دووجهی‌سازی واقعیت، پرداخته می‌شود؛ همان‌گونه که مرتن، کج‌روی را گونه‌شناسی کرد یا با کاربرد ریاضیات، واقعیت‌ها در جریان محاسبات ریاضی جای می‌گیرند؛ ۵. تبلور و کمی‌سازی؛ ۶. اتکا به واقعیتی ذاتی و تجربی (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۲۵۸-۲۲۶).

مطالعات توسعه سیاسی ایران: همان‌گونه که بیان شد، در مورد تعریف، ویژگی‌ها، و گستره توسعه سیاسی، بین اندیشمندان اتفاق نظر وجود ندارد و این مفهوم از زمان پیدایش تاکنون، دامنه گسترده‌ای از مفاهیم و واقعیت‌های سیاسی-اجتماعی را دربر می‌گیرد. توسعه سیاسی اواسط دهه ۱۹۶۰ که مترادف با مدرنیزاسیون و نوسازی بود، در اوایل سده ۲۱، با مفاهیم آزادی و برابری یکسان انگاشته می‌شود و به همین سبب، برگزیدن تنها یک چارچوب و تحمیل آن به واقعیت‌ها، خارج از چارچوب روش‌شناسی علمی است؛ ازاین‌رو، چارچوب مفهومی این نوشتار و آنچه در مطالعات توسعه سیاسی ایران در مرحله گردآوری اطلاعات به دست آمده است، مفهوم توسعه سیاسی را شکل می‌دهد. منظور از مطالعات نیز تنها آثاری است که در قالب کتاب منتشر شده‌اند. در سال‌های پس از انقلاب، افزون بر کتاب‌ها، آثار بسیاری در قالب پایان‌نامه و مقاله نیز نوشته شده‌اند، ولی با توجه به گستره وسیع آثار یادشده، دامنه این پژوهش به کتاب‌ها محدود می‌شود. بدیهی است که بخشی از کتاب‌ها، خود حاصل پایان‌نامه‌های دانشگاهی، و بخشی از مقاله‌ها نیز حاصل کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها هستند؛ بنابراین، در نظر گرفتن قالب نوشتاری کتاب در این پژوهش، تا حدی می‌تواند سایر قالب‌های نوشتاری را نیز پوشش دهد.

به منظور جلوگیری از تکرار مطالب، از گنجاندن تعریف عملیاتی متغیرها پرهیز شده است. جمع مقوله‌ها در هریک از جدول‌ها (در قسمت یافته‌های پژوهش) تعریف عملیاتی و در واقع، مصداق‌های آن متغیر به‌شمار می‌آید.

روش پژوهش: در این پژوهش، از روش مرور نظام‌مند^۱ استفاده شده است. این روش در زمره پژوهش‌های مروری^۲ قرار می‌گیرد. منظور از پژوهش مروری، مطالعه جامع و تفسیر متن‌هایی است که با موضوع خاصی مرتبط هستند (آویارد، ۱۳۹۰: ۲۱). بنیاد کوکران، پژوهش نظام‌مند را این‌گونه تعریف می‌کند: «بررسی یک پرسش کاملاً فرموله‌شده که از روش‌های نظام‌مند و صریح برای شناسایی، انتخاب، و ارزیابی متقدانه پژوهش‌های مرتبط و گردآوری و تحلیل داده‌ها از مطالعاتی که در پژوهش گنجانده شده‌اند، استفاده می‌کند» (Baloyi and Jordan, 2016: 122). دربارهٔ موارد کاربرد این روش نیز موارد زیر برشمرده شده‌اند:

۱. بمباران اطلاعات؛ ۲. مطالعات ضعیف همراه با سوگیری و حجم کم نمونه؛ ۳. تناقض‌های موجود در نتایج مطالعات؛ ۴. مطالعات تکراری و غیرلازم (حجازی‌زاده، ۱۳۸۷: ۷). با مرور اجمالی مطالعات انجام‌شده درباره توسعه سیاسی ایران، مناسب‌ترین روش بررسی، مرور نظام‌مند است که می‌تواند تصویر کلی‌ای از کم‌وکیف بررسی‌های انجام‌شده ارائه دهد. هریک از کتاب‌ها نیز به‌عنوان واحد تحلیل این بررسی در نظر گرفته شده است.

جامعه آماری: جامعه آماری پژوهش، تمام کتاب‌هایی است که پس از انقلاب اسلامی درباره توسعه سیاسی ایران نوشته شده‌اند و با توجه به هدف پژوهش، نمونه‌گیری انجام نشده و حجم نمونه، برابر با جامعه آماری پژوهش است. گفتنی است که در این زمینه، تاکنون کتاب‌شناسی‌ای تهیه نشده است و فهرست کاملی از کتاب‌ها وجود ندارد. به همین دلیل، جامعه آماری این پژوهش با جست‌وجوی نسبتاً طولانی و پیگیری نگارندگان پژوهش به‌دست آمد که ۱۴۵ اثر هستند. البته نمی‌توان بااطمینان ادعا کرد که جامعه آماری کامل است و نمی‌توان اثر دیگری را شناسایی کرد. با توجه به ظرف زمانی انجام رساله‌ای که مقاله حاضر از آن به‌دست آمده است، تعداد نوشته‌های پیش‌گفته، با مراجعه به کتابخانه‌های معتبر و پرس‌وجوهای بسیار از اهل فن، شناسایی و بررسی شده‌اند (جامعه آماری در پیوست مقاله ارائه شده است).

1. Systematic Review

2. Literature Review

روش گردآوری و پردازش داده‌ها: به منظور دسته‌بندی و شناسایی مطالعات انجام‌شده، از ابزار و دستورالعمل ارزیابی استفاده شد که متغیرها و شاخص‌های این دستورالعمل، از چارچوب نظری و مفهومی ارائه‌شده در صفحه‌های پیشین، به‌دست آمد. هریک از کتاب‌ها، بازخوانی شده و براساس دستورالعمل ارزیابی، کد مقوله، و متغیر مرتبط با محتوای هر کتاب، در برگه‌های کدگذاری وارد می‌شد. پس از پایان مرحله کدگذاری، اطلاعات به‌دست‌آمده وارد رایانه شده و با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS پردازش شدند که حاصل آن، جدول‌های توزیع فراوانی‌ای است که در قسمت یافته‌های پژوهش ارائه شده‌اند. به‌منظور پرهیز از تحمیل مقوله‌های گنجانده‌شده در ابزار ارزیابی به کتاب‌های بررسی‌شده، این ابزار، بسته نبود و با برخورد به مقوله‌های جدید، این مقوله‌ها در دستورالعمل ارزیابی یادداشت می‌شدند. درواقع، طرح بررسی حاضر، از نوع قیاسی-استقرایی بوده است.

روایی و پایایی: در پژوهش حاضر به‌منظور سنجش روایی، از روایی صوری استفاده شده است؛ به این معنا که دستورالعمل یا ابزار ارزیابی به چند تن از استادان علوم سیاسی و نیز پژوهشگران ارشد علوم اجتماعی ارائه شد و نکته‌ها و پیشنهادهای اصلاحی آن‌ها، در دستورالعمل، گنجانده شد. برای تعیین پایایی پژوهش نیز از ضریب اسکات استفاده شده است. از این ضریب برای تعیین قابلیت اعتماد و درواقع، میزان عینیت در فرایند گردآوری داده‌ها استفاده می‌شود (بدیعی، ۱۳۷۵: ۳۱-۲۵). حداقل ضریب قابلیت اعتماد باید رقم ۷۰ درصد باشد. در این پژوهش، رقم حاصل از محاسبه با فرمول اسکات، رقم ۹۵ درصد بوده است که داده‌های گردآوری‌شده در این پژوهش را قابل اعتماد می‌کند.

۶. یافته‌های پژوهش

۶-۱. سال انتشار کتاب‌ها

جدول شماره (۱) سال انتشار کتاب‌ها را نشان می‌دهد. براین اساس، ۵۳/۸ درصد کتاب‌ها، بین سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵، و ۳۸/۶ درصد بین سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۶ منتشر شده‌اند. بقیه کتاب‌ها (۷/۶ درصد) نیز از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۵ نوشته شده‌اند.

جدول شماره (۱). توزیع فراوانی کتاب‌های موردبررسی به تفکیک سال انتشار

سال انتشار	فراوانی	درصد
از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۵	۳	۲/۱
از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۵	۸	۵/۵
از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵	۷۸	۵۳/۸
از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۶	۵۶	۳۸/۶
جمع	۱۴۵	۱۰۰

۲-۶. نوع منابع مورداستفاده در آثار

جدول شماره (۲) نوع منابع استفاده‌شده در آثار موردبررسی را نشان می‌دهد. براین اساس، در ۷۷/۲ درصد از کتاب‌ها، از منابع دست دوم، در ۱۵/۹ درصد از منابع دست اول و دست دوم استفاده شده است. در ۶/۹ درصد از کتاب‌ها نیز یا منابع ذکر نشده و یا منابع ژورنالیستی بوده‌اند.

جدول شماره (۲). توزیع فراوانی کتاب‌های موردبررسی به تفکیک نوع منابع مورداستفاده

نوع منابع	فراوانی	درصد
منابع دست دوم	۱۱۲	۷۷/۲
منابع دست اول و دوم ^(۲)	۲۳	۱۵/۹
منابع، ذکر نشده یا ژورنالیستی است	۱۰	۶/۹
جمع	۱۴۵	۱۰۰

۳-۶. ارتباط کتاب‌های بررسی‌شده با توسعه یا توسعه‌نیافتگی سیاسی ایران

جدول شماره (۳) ارتباط موضوع و محتوای کتاب‌ها را با توسعه سیاسی یا توسعه‌نیافتگی سیاسی ایران نشان می‌دهد. براین اساس، محتوای ۲۲/۸ درصد کتاب‌ها، ابعاد و وجوه غایت‌گرایانه توسعه سیاسی، ۲۱/۴ درصد کتاب‌ها مرتبط با مفاهیم توسعه یا توسعه‌نیافتگی سیاسی، ۱۷/۹ درصد مرتبط با مفاهیم نوسازی، تجدد و مدرنیته سیاسی، ۱۵/۲ درصد زوال و انحطاط سیاسی، و ۱۱ درصد نیز با شاخص‌ها و وجوه کارکردی توسعه سیاسی ارتباط داشته‌اند. ۸/۳ درصد از آثار نیز به فرهنگ سیاسی ایران اختصاص داشته‌اند.

در جدول شماره (۴)، یافته‌های جدول شماره (۳) براساس دو محور اساسی توسعه سیاسی یا زوال سیاسی ترکیب شده‌اند. براین اساس، ۷۶/۶ درصد از کتاب‌ها به توسعه‌نیافتگی سیاسی^(۳) و ۲۳/۴ درصد به توسعه سیاسی در ایران پرداخته‌اند.

جدول شماره (۳). توزیع فراوانی کتاب‌های موردبررسی به تفکیک ارتباط کتاب‌ها با توسعه یا توسعه‌نیافتگی

سیاسی ایران

مقوله‌ها	فراوانی	درصد
توسعه یا توسعه‌نیافتگی سیاسی	۳۱	۲۱/۴
فرهنگ سیاسی	۱۲	۸/۳
نوسازی، تجدد، و مدرنیته سیاسی (وجه استنتاجی)	۲۶	۱۷/۹
زوال و انحطاط سیاسی	۲۲	۱۵/۲
ابعاد و وجه غایت‌گرایانه توسعه سیاسی	۳۳	۲۲/۸
شاخص‌ها و وجه کارکردی توسعه سیاسی	۱۶	۱۱
ترکیبی از مفاهیم بالا	۵	۳/۴
جمع	۱۴۵	۱۰۰

جدول شماره (۴). توزیع فراوانی کتاب‌های موردبررسی به تفکیک وجه مثبت و منفی توسعه سیاسی

مقوله‌ها	فراوانی	درصد
ویژگی‌ها و وجه مثبت توسعه سیاسی	۳۴	۲۳/۴
ویژگی‌ها و وجه منفی توسعه سیاسی (توسعه‌نیافتگی و زوال سیاسی)	۱۱۱	۷۶/۶
جمع	۱۴۵	۱۰۰

۴-۶. رهیافت مطالعاتی کتاب‌های موردبررسی

جدول شماره (۵) رهیافت‌های توسعه سیاسی را در کتاب‌های موردبررسی نشان می‌دهد. براین اساس، رهیافت ۱۲/۴ درصد آثار مدرنیزاسیون، ۱۱/۷ درصد دموکراتیزاسیون، و ۱۱ درصد مطالعات تاریخی بوده است. ۵۵/۹ درصد آثار نیز بدون توجه به رهیافت‌های شناخته‌شده انجام شده‌اند.

جدول شماره (۵). توزیع فراوانی کتاب‌های موردبررسی به تفکیک رهیافت‌های به کاررفته در آن‌ها

رهیافت‌ها	فراوانی	درصد
ساختارگرایی، کارکردی (سیستمی)	۷	۴/۸
مدرنیزاسیون	۱۸	۱۲/۴
غایت‌شناسانه (دموکراتیزاسیون)	۱۷	۱۱/۷
مطالعات تاریخی	۱۶	۱۱
بدون ارتباط با رهیافت‌ها	۸۱	۵۵/۹
وابستگی و جهانی شدن	۵	۳/۴
ترکیبی از رهیافت‌ها	۱	۰/۷
حکمرانی خوب	۰	۰
جمع	۱۴۵	۱۰۰

۵-۶. شاخص‌های توسعه سیاسی

جدول شماره (۶) شاخص‌های توسعه سیاسی را در کتاب‌های بررسی‌شده نشان می‌دهد. براین اساس، در ۱۳/۱ درصد کتاب‌ها، ترکیبی از شاخص‌ها مطالعه شده‌اند و در ۶۳/۴ درصد از آثار، هیچ‌یک از شاخص‌های توسعه سیاسی مورد نظر مطرح نشده است.

شاخص‌هایی که به‌طور مستقل در کتاب‌ها بررسی شده‌اند، شامل جامعه مدنی (۴/۸ درصد)، انتخابات (۲/۱ درصد)، عقلانیت و قانون‌مداری (هریک ۲/۱ درصد)، و نظام حزبی (۱/۴ درصد) بوده است. شاخص‌هایی که به‌طور مستقل در هیچ‌یک از کتاب‌ها بررسی نشده‌اند، شامل تفکیک قوا، گردش نخبگان سیاسی، پاسخ‌گو بودن، وفاق ملی، اجماع نخبگان سیاسی، آزادی رقابت‌های سیاسی، و دولت فراگیر هستند.

جدول شماره (۶). توزیع فراوانی کتاب‌های بررسی‌شده به تفکیک شاخص‌های توسعه سیاسی

شاخص‌ها	فراوانی	درصد
عقلانیت	۳	۲/۱
رقابت سیاسی	۲	۱/۴
جامعه مدنی	۷	۴/۸
قانون‌مداری و حکومت قانون	۳	۲/۱
نظام حزبی و رقابت احزاب	۲	۱/۴
کارایی و اثربخشی (الهام‌گرفته از بوروکراسی)	۱	۰/۷
امنیت	۱	۰/۷
انتخابات	۳	۲/۱
مطالعه، ارتباطی با شاخص‌های توسعه سیاسی ندارد	۱۲۱	۸۳/۴
ترکیبی از شاخص‌ها	۲	۱/۴
جمع	۱۴۵	۱۰۰

۶-۶. مفاهیم و نظریه‌های جدید و ابداعی در کتاب‌ها

جدول شماره (۷) میزان و نوع مفاهیم و نظریه‌های ابداعی را در کتاب‌های مورد بررسی نشان می‌دهد. به‌طور کلی در ۸۱/۴ درصد کتاب‌ها، مفهوم و نظریه جدیدی ارائه نشده و در بقیه آثار (۱۸/۶ درصد) به ارائه مفاهیم و نظریه‌هایی پرداخته شده است که پیشینه‌ای نداشته‌اند. این مفاهیم عبارتند از:

جامعه کژمدرن، تجددطلبی وارونه، مدرنیسم توسعه‌نیافتگی، نامدینیت

سیاسی-اجتماعی، شیوه تولید مستعمراتی، ناامنی پایدار، جامعه‌شناسی نخبه‌کشی، دموکراتیزاسیون، دولت سرمایه‌داری دیکتاتوری، دین‌خویی، مدرنیته ایرانی، علما و بازار به‌عنوان جامعه مدنی ایرانی، فئودالیسم ایرانی، مقاومت شکننده، توسعه ناموزون، شبه‌مدرنیسم، جامعه کوتاه‌مدت، وضعیت نیمه‌استعماری، دولت مدرن مطلقه، نظریه جامعه ایرانی، جامعه غیررسمی، دموکراسی صوری و شبه‌دموکراسی، مشروطه ایرانی، مکتب تحول در شخصیت ایرانی، تجدد آمرانه، تجدد بومی، اسطوره استبداد، و امتناع دموکراسی.

جدول شماره (۷). توزیع فراوانی کتاب‌های بررسی‌شده به تفکیک مفاهیم و نظریه‌های جدید و ابداعی موجود

در کتاب‌ها

درصد	فراوانی	مفاهیم و نظریه‌های جدید و ابداعی
۱۸/۶	۲۷	مفاهیم و نظریه‌های ابداعی و جدیدی ارائه شده است
۸۱/۴	۱۱۸	بدون مفاهیم و نظریه‌های ابداعی و جدید
۱۰۰	۱۴۵	جمع

۷-۶. عوامل مؤثر بر توسعه سیاسی ایران

جدول شماره (۸) عوامل مؤثر بر توسعه سیاسی ایران را در کتاب‌های موردبررسی نشان می‌دهد. براین اساس، در ۵۱/۳ درصد کتاب‌ها بر عوامل داخلی و در ۳۴/۸ درصد، هم بر عوامل داخلی و هم بر عوامل خارجی تأکید شده است. ۳/۵ درصد (۴ مورد) از کتاب‌ها نیز عوامل خارجی را در توسعه سیاسی ایران مؤثر دانسته‌اند. در ۱۰/۴ درصد کتاب‌ها به‌طور مشخص بر عاملی تأکید نشده است.

جدول شماره (۸). توزیع فراوانی کتاب‌های موردبررسی به تفکیک عوامل مؤثر بر توسعه سیاسی ایران

درصد	فراوانی	عوامل
۵۱/۳	۵۹	عوامل داخلی
۳/۵	۴	عوامل خارجی
۳۴/۸	۴۰	ترکیبی از عوامل داخلی و خارجی
۱۰/۴	۱۲	نامشخص
۱۰۰	۱۱۵	جمع

۸-۶. عوامل توسعه‌نیافتگی سیاسی ایران در کتاب‌ها

جدول شماره (۹) عوامل توسعه‌نیافتگی سیاسی ایران را در کتاب‌های موردبررسی نشان می‌دهد. براین اساس، در ۱۹/۱ درصد کتاب‌ها، عامل توسعه‌نیافتگی سیاسی

ایران، استبداد و اقتدارگرایی، ۱۰/۴ درصد مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی، و ۷/۸ درصد مدرنیته ناقص و جلوگیری از رشد تجدد (شکاف بین سنت‌گرایی و تجددطلبی) ذکر شده است. در جدول زیر، سایر عوامل نیز مطرح شده‌اند.

جدول شماره (۹). توزیع فراوانی کتاب‌های بررسی شده به تفکیک عوامل توسعه‌نیافتگی سیاسی مورد اشاره در

آن‌ها

درصد	فراوانی	عوامل
۱۹/۱	۲۲	استبداد و اقتدارگرایی و تداوم آن
۱۰/۴	۱۲	مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی
۷/۸	۹	مدرنیته ناقص، جلوگیری از رشد تجدد و نبود شرایط رشد مدرنیته (شکاف بین سنت‌گرایی و تجددطلبی)
۲/۶	۳	نبود کنش ارتباطی مبتنی بر قانون
۱/۷	۲	نبود بنیان‌های ساختاری تحکیم دموکراسی
۱/۷	۲	منازعات و ناکارآمدی نخبگان سیاسی
۱/۷	۲	هجوم اقوام بیگانه، گرایش به اسلام و تسلط استعمار
۱/۷	۲	نبود پرسش‌گری و دین‌خویی ایرانیان
۱/۷	۲	دولت غیرتوسعه‌گرا در جمهوری اسلامی ایران
۷/۸	۹	به چندین عامل استناد شده یا در هر دوره بر عامل خاصی تأکید شده است
		سایر ^(۴)
۲۶/۱	۳۰	مرتبط با توسعه‌نیافتگی سیاسی نیست یا بیان نشده است
۱۰۰	۱۱۷ ^(۵)	جمع

۹-۶. روش پژوهش به‌کاررفته در کتاب‌های بررسی شده^(۶)

جدول شماره (۱۰) روش پژوهش به‌کاررفته در آثار موردبررسی را نشان می‌دهد. براین اساس، روش ۵۳ درصد از آثار، تاریخی-تجربی بوده است، یعنی نویسنده در فرایند بررسی موضوع اثر، به شواهد تاریخی استناد جسته است. روش ۲۰/۵ درصد کتاب‌ها نیز توصیفی-تحلیلی بوده است؛ به این معنا که نویسنده به توصیف و نیز علت‌کاوی موضوع موردبررسی پرداخته و چندان در پی استناد به شواهد نبوده است. در ۶/۸ درصد آثار، از روش‌های پیمایش و تحلیل محتوا استفاده شده و روش بررسی در ۸/۵ درصد دیگر نیز تاریخی-توصیفی بوده است.

جدول شماره (۱۰). توزیع فراوانی کتاب‌های بررسی شده به تفکیک روش پژوهش در کتاب‌ها

درصد	فراوانی	روش‌ها
۶/۸	۸	روش‌های پیمایش و تحلیل محتوا
۸/۵	۱۰	تاریخی-توصیفی
۵۳	۶۲	تاریخی-تجربی
۱/۷	۲	روش ترکیبی (ترکیبی از دو یا چند روش)
۲۰/۵	۲۴	توصیفی-تحلیلی
۵/۲	۶	تحلیلی-تجربی
۱/۷	۲	تحلیل گفتمان
۲/۶	۳	سایر ^(۷)
۱۰۰	۱۱۷	جمع

نتیجه‌گیری

مطالعات توسعه سیاسی در مغرب‌زمین، چه آن را جریان‌ی سیاسی و ایدئولوژیک بدانیم و چه یک جریان علمی و جامعه‌شناختی، سیری تدریجی را طی کرده و در طول زمانی نزدیک به ۷۰ سال انجام شده و گستره مفهومی بسیار وسیعی از مدرنیاسیون تا آزادی و برابری را به خود اختصاص داده است. این تحول و در واقع، دگرذیسی، نه تنها در عالم ذهن، بلکه در تعامل بین ذهنیت صاحب‌نظران و تحولات جوامع غربی و جوامع در حال توسعه رخ داده و با اینکه اتفاق نظری در مورد محتوای آن وجود ندارد، ولی آگاهی دقیق و کاملی از سیر تکاملی مطالعات در دست است.

مطالعات توسعه سیاسی در ایران، با نمونه اصیل و غربی آن یکسان نیست و صاحب‌نظران ایرانی و خارجی در زمانی بسیار کوتاه‌تر و بیشتر از اواسط دهه ۱۳۷۰، تقریباً تمام مؤلفه‌های توسعه سیاسی را در تحلیل مسائل ایران به کار برده‌اند، این در حالی است که تصویر کاملی از این مطالعات ترسیم نشده است. این پژوهش در پاسخ به این پرسش انجام شده است که تنوع و گونه‌گونی مطالعات توسعه سیاسی ایران چگونه است؟

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بیش از نیمی از کتاب‌های مورد بررسی (۵۳/۸ درصد) در دوره موسوم به اصلاحات، یعنی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵ نوشته شده‌اند و پیش از آن، رونق زیادی نداشته‌اند. در سال‌های بعد نیز مطالعات ادامه داشته است، ولی تعداد آن‌ها (۳۸/۶ درصد) به تعداد آثار منتشر شده در سال‌های

۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵ نمی‌رسد. بررسی نوع منابع مورد استفاده در مطالعات توسعه سیاسی ایران نیز نشان می‌دهد که بیش از سه چهارم (۷۷/۲ درصد) آن‌ها از منابع دست دوم استفاده کرده‌اند و منبع ۱۵/۹ درصد مطالعات، منابع دست اول و همچنین دست دوم بوده است. این در حالی است که تقریباً ۷۵ درصد کتاب‌های منتشر شده از روش‌های تاریخی-تجربی و توصیفی-تحلیلی استفاده کرده‌اند و در این نوع مطالعات، استناد به منابع دست اول، اهمیت زیادی داشته است. اگرچه به راحتی نمی‌توان به منابع دست اول، دست یافت و پژوهشگران، چاره‌ای جز بهره‌گیری از منابع موجود ندارند، ولی نبود و نقصان این منابع، عمدتاً به مطالعاتی کم‌مایه، تکراری، و نظریه‌پردازی‌های صرفاً ذهنی و عقلی منجر می‌شود و راهگشای حل مسائل نظری نخواهد بود.

ارتباط مطالعات توسعه سیاسی ایران با مفاهیم و مؤلفه‌های توسعه سیاسی، اصلی‌ترین متغیر در گونه‌شناسی توسعه سیاسی ایران بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تقریباً یک چهارم (۲۲/۸ درصد) مطالعات، به ابعاد و به تعبیر هانتینگتون و دامینگز، به وجوه غایت‌گرایانه توسعه سیاسی توجه داشته‌اند که شامل دموکراتیزاسیون و جامعه مدنی می‌شود و ۲۱/۴ درصد منابع بررسی شده، توسعه یا توسعه‌نیافتگی سیاسی ایران را به طور کلی بررسی کرده‌اند. بخش قابل توجهی از مطالعات (۱۷/۹ درصد) به نوسازی سیاسی ایران پرداخته‌اند و ۱۵/۲ درصد نیز زوال و انحطاط سیاسی ایران را بررسی کرده‌اند. استبداد و اقتدارگرایی، محور اصلی مطالعات یادشده بوده است.

توجه به این متغیر از منظری دیگر نشان می‌دهد که بیش از سه چهارم (۷۶/۶ درصد) مطالعات توسعه سیاسی ایران، ابعاد منفی و در واقع، مؤلفه‌های زوال توسعه سیاسی را دستمایه بررسی‌های خود کرده‌اند و بقیه آثار (۲۳/۴ درصد) به بررسی وجوه و ابعاد مثبت این پدیده پرداخته‌اند. طبیعی است که پیشینه دیرین استبداد و اقتدارگرایی در ایران، اندیشمندان ایرانی و خارجی را به واکاوی علل و ریشه‌های توسعه‌نیافتگی سیاسی ایران ترغیب می‌کند. البته تجربه کشورهای تازه استقلال یافته که در دیدگاه‌های اندیشمندانی مانند هانتینگتون و جوهری تبلور یافته است نیز گویای این واقعیت است که توسعه سیاسی، فرایندی یک‌سویه و تنها روبه پیشرفت

نیست و می‌تواند در مسیر زوال و ضدتکاملی قرار گیرد.

در گونه‌شناسی حاضر، به رهیافت‌ها و شاخص‌های توسعه سیاسی ایران نیز توجه شده است. به‌طور کلی، پدیده توسعه سیاسی نیز همچون سایر پدیده‌های جامعه‌شناختی، در قالب‌ها و چارچوب‌های مفهومی، بازشناسی و وجوه تمایز آن مشخص می‌شود. این قالب‌ها شامل رهیافت‌ها، ابعاد، شاخص‌ها، و تعریف‌ها می‌شود. رهیافت‌ها، گرایش‌های کلان نظری و مطالعاتی را دربر می‌گیرند؛ ابعاد، مفاهیم کلی و انتزاعی را شامل می‌شوند و شاخص‌ها بر مصداق‌های عینی تمرکز دارند. نتایج مطالعه حاضر نشان می‌دهد که ۱۲/۴ درصد رهیافت‌های مطالعاتی توسعه سیاسی ایران مدرنیزاسیون، ۱۱/۷ درصد دموکراتیزاسیون، و ۱۱ درصد مطالعات تاریخی بوده‌اند. بیشتر مطالعات توسعه سیاسی ایران (۵۵/۹ درصد) نیز در چارچوب هیچ رهیافتی جای نمی‌گیرند. به‌لحاظ شاخص‌های توسعه سیاسی، در بیش از ۱۵ درصد از کتاب‌ها، شاخص‌های جامعه مدنی، انتخابات، عقلانیت و نظام حزبی، رقابت سیاسی، و قانون‌مداری مورد توجه بوده‌اند. بیش از سه‌چهارم (۸۳/۴ درصد) مطالعات نیز هیچ شاخصی را به‌طور مستقل در نظر نداشته‌اند.

اگرچه کتاب‌های مرتبط با توسعه سیاسی ایران، چندان به رهیافت‌ها و چارچوب‌های کلاسیک و شناخته‌شده توسعه سیاسی پایبند نبوده‌اند و حتی کمتر از آن، به شاخص‌های توسعه سیاسی توجه کرده‌اند، با این حال، مطالعات یادشده از مفاهیم جدید و ابداعاتی بی‌بهره نبوده‌اند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تقریباً در یک‌چهارم (۱۸/۶ درصد) کتاب‌های بررسی‌شده، مفاهیم جدیدی ارائه شده‌اند و صاحب‌نظران ایرانی و خارجی، به‌منظور شناخت و تحلیل پدیده‌های پیچیده سیاسی-اجتماعی ایران، مفاهیم جدیدی ابداع کرده‌اند. توسعه ناموزون، مقاومت‌شکننده، جامعه کژمدرن، مدرنیته ایرانی، شبه‌مدرنیسم، تجدد آمرانه، مشروطه ایرانی، فئودالیسم ایرانی، جامعه کوتاه‌مدت، جامعه کلنگی، تجددطلبی وارونه، وضعیت نیمه‌استعماری، مدرنیسم توسعه‌نیافتگی، نایمینی پایدار، و... از جمله این مفاهیم هستند. این امر از یک سو نشان‌دهنده این است که واقعیت‌های جامعه ایرانی را نمی‌توان در قالب مفاهیم و نظریه‌های غربی جای داد و از سوی دیگر، تنوع دیدگاه‌ها و نظریه‌ها را در مورد توسعه سیاسی ایران نشان می‌دهد. در این مطالعه که

ادعای جامعیت نیز ندارد، نزدیک ۳۰ مفهوم شناسایی شده‌اند که حاصل تأملات صاحب‌نظران هستند. بخش دیگری از یافته‌های این پژوهش نیز گویای تنوع و گوناگونی دیدگاه‌ها درباره توسعه سیاسی ایران است. بسیاری از پژوهش‌های انجام‌شده درباره توسعه سیاسی ایران، به عوامل و چرایی توسعه‌نیافتگی سیاسی ایران توجه داشته‌اند و آن را در قالب مسئله و پرسش اصلی مطرح کرده‌اند. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد، تقریباً یک‌چهارم (۱۹/۱ درصد) کتاب‌ها، عامل اصلی توسعه‌نیافتگی سیاسی ایران را استبداد و اقتدارگرایی، ۱۰/۴ درصد مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی، و ۷/۸ درصد تجدد ناقص، نبود شرایط رشد مدرنیته و به‌طورکلی شکاف بین سنت و مدرنیته دانسته‌اند. عوامل دیگری که در مطالعات بسیاری بر آن تأکید شده است، به این شرح هستند: منازعات و ناکارآمدی نخبگان سیاسی، نبود بنیان‌های ساختاری تحکیم دموکراسی، هجوم اقوام بیگانه و تسلط استعمار، عدم سازگاری ثبات و رقابت سیاسی، برتری حوزه سیاست بر فرهنگ و اقتصاد، نبود پرسش‌گری و دین‌خویی ایرانیان، دور تخریبی بحران، اصلاحات دولتی، ضعف حکومت و بحران تجدد، استعمار و ایجاد تضاد بین جامعه رسمی و جامعه غیررسمی، شکنندگی ائتلاف‌ها در جنبش‌های اجتماعی، و....

از منظری دیگر و البته با گستردگی کمتر، می‌توان این تنوع را ملاحظه کرد. نگاهی به عوامل پیش‌گفته نشان می‌دهد که عوامل را می‌توان به دو مقوله کلی داخلی و خارجی تقسیم‌بندی کرد. نتایج مطالعه حاضر نشان می‌دهد که از نظر نویسندگان ۵۱/۳ درصد کتاب‌ها، عامل توسعه یا توسعه‌نیافتگی ایران، داخلی، در ۳/۵ درصد، خارجی و در ۳۴/۸ درصد، ترکیبی از عوامل داخلی و خارجی بوده است.

مقایسه یافته‌های این مطالعه با نتایج پژوهش‌های پیشین گویای این است که پژوهش حاضر به‌لحاظ نظری در چارچوب همان رویکردها و نظریه‌های مرتبط با توسعه سیاسی در مطالعه دبیری‌مهر و عالی‌زاده انجام شده است، ولی با تمام یافته‌های مطالعه حاجی‌یوسفی همخوانی ندارد. تحلیل‌گفتمان را نمی‌توان گونه‌ای از مطالعات جامعه‌شناسی سیاسی ایران و رشته‌های مشابه قلمداد کرد. تحلیل‌گفتمان، بیش از هرچیز یک روش و نظریه عام مرتبط با علوم انسانی و علوم

اجتماعی، به‌طور کلی، است و در کنار مفاهیم خاص جامعه‌شناسی سیاسی و توسعه سیاسی، مانند فرهنگ سیاسی، نخبه‌گرایی، و تحلیل طبقات قرار نمی‌گیرد. در جمع‌بندی کلی مطالعات توسعه سیاسی ایران می‌توان گفت، اگرچه در این کتاب‌ها سعی شده است از الگوبرداری محض از نمونه‌های کلاسیک غربی پرهیز شود و به اصطلاح، به بومی‌سازی علوم اجتماعی پرداخته شود، ولی این امر به چندگونگی و درواقع، اغتشاش نظری و مفهومی انجامیده است. درست است که بخش قابل‌توجهی از تنوع دیدگاه‌ها را نوع رهیافت‌ها و همچنین، نقطه عزیمت مطالعات توجیه می‌کند، ولی این امر، تمام عوامل ناهمخوانی را دربر نمی‌گیرد. اتفاقاً موضع متفاوت در اتخاذ رهیافت‌ها و ناهمخوانی در نقطه آغازین مطالعه، در نهایت می‌تواند به تکمیل مطالعات بینجامد؛ این درحالی است که بخش قابل‌توجهی از مطالعات توسعه سیاسی ایران، نه تنها در یافته‌ها و نتایج همخوانی ندارند، بلکه در تضاد و تناقض با یکدیگر قرار می‌گیرند.

به‌نظر می‌رسد، ارائه تصاویر ناهمگون از توسعه‌یافتگی یا توسعه‌نیافتگی سیاسی ایران، به‌سبب پیروی نکردن از قواعد روش‌شناختی در مطالعه است که بررسی آن مقال دیگری را می‌طلبد.*

یادداشت‌ها

۱. این کتاب در سال ۱۳۷۲ در قالب یک پژوهش انجام شده و سپس به صورت کتاب منتشر شده است.
۲. منابع دست اول، شامل اسناد و مدارک به جامانده از وقایع تاریخی است که شاهد محکم و متقنی درباره حوادث است؛ به عنوان مثال، اسناد به جامانده از توافق نامه های بین المللی. این اسناد معمولاً محرمانه بوده و در دسترس عموم قرار نمی گیرند. منابع دست دوم نیز شامل نوشته ها و مقالاتی هستند که درباره حوادث تاریخی یا هر موضوعی نگاشته شده و نوع نگاه نویسنده را شامل می شوند و در دسترس همگان هستند؛ به عنوان مثال، کتاب ایران بین دو انقلاب، مقاومت شکننده، و... منابع دست دوم به شمار می آیند.
۳. امیر دبیری مهر در گونه شناسی خود این مقوله را با عنوان موانع توسعه سیاسی مطرح کرده است.
۴. سایر، شامل ساختار فرهنگی ایلی و عشیره ای صاحبان قدرت، ناسازگاری بین دموکراسی و امنیت ملی، کنش متقابل ایدئولوژی و توسعه سیاسی، کارایی نامناسب نظام سیاسی، عقب ماندگی علمی، رویه هویت جمعی ایرانیان در نابودی اصلاح گرایی، عدم سازگاری ثبات و رقابت سیاسی، یکسان سازی و به رسمیت نشناختن تفاوت ها، برتری حوزه سیاست بر فرهنگ و اقتصاد، شکنندگی ائتلاف ها در جنبش های اجتماعی، عدم توازن بین نوسازی اقتصادی و نوسازی سیاسی، استبداد داخلی و استعمار خارجی، دور تخریبی بحران، اصلاحات، ضعف حکومت و بحران، ویژگی نئوپاتریمونیال رژیم شاه، استعمار و ایجاد تضاد بین جامعه رسمی و جامعه غیررسمی و ترکیب ایدئولوژی های ناهمگون در ساخت دولت، شناخت نامناسب تجدیدشناسان از تاریخ سنت و فرهنگ ایرانی و خردستیزی و تفکر ضدفردی و امحای فردیت در «مای» جمعی ما هستند.
۵. مبانی در صدگیری، رقم ۱۱۷، یعنی کتاب هایی است که به طور کامل به یک موضوع پرداخته اند. کتاب هایی که شامل مجموعه مقالات بوده اند، از مبنای در صدگیری این جدول حذف شده اند.
۷. در سه مورد از کتاب ها، روش بررسی و پژوهش، عیناً به این شکل بیان شده است: «جدی گرفتن ایده ها، گفتمان ها، و تصورات فرهنگی»، «مفهوم تاریخ نظری» و «روش نوتاریخ گرایی».

منابع

- آویارد، هلن (۱۳۹۰)، چگونه یک تحقیق مروری انجام دهیم؟، ترجمه پوریا صرامی فروشانی و فردین علی پور گراوند، تهران: جامعه‌شناسان.
- امین‌زاده، محسن (۱۳۷۶)، «توسعه سیاسی»، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، شماره ۱۱۸-۱۱۷.
- بدیع، برتران (۱۳۷۶)، *توسعه سیاسی*، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران: قومس.
- بدیعی، نعیم (۱۳۷۵)، *تجزیه و تحلیل محتوا، نحوه محاسبه ضریب قابلیت اعتماد*، تحقیق در علوم انسانی، معاونت پژوهشی دانشگاه علامه طباطبائی.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۴)، «گونه‌شناسی روش‌های مطالعه جامعه‌شناسی سیاسی ایران»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، شماره ۱.
- حجازی‌زاده، بهزاد (۱۳۸۷)، *آشنایی با مقالات مروری و مرور نظام‌مند*، دانشگاه علوم پزشکی کرمان.
- دبیری‌مهر، امیر (۱۳۹۳)، «گونه‌شناسی مطالعات توسعه سیاسی»، *راهبرد*، شماره ۷.
- رن‌دال، ویکی (۱۳۹۳)، «رویکردهای تحلیلی در مطالعه سیاست در جهان در حال توسعه»، *در: مسائل جهان سوم*، پیتر برنل و ویکی رن‌دال، ترجمه احمد ساعی و سعید میرترابی، چاپ پنجم، تهران: قومس.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۰)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، جلد دوم، چاپ ششم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- عالی‌زاده، اسماعیل (۱۳۹۰)، *نقش سیاست‌های دولت در فرایند توسعه سیاسی* (پایان‌نامه تحصیلی)، تهران: دانشکده علوم اجتماعی.
- فرقانی، محمدمهدی (۱۳۸۲)، *راه دراز گذار؛ بررسی تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران*، تهران: فرهنگ و اندیشه.
- مقصودی، مجتبی؛ فتاحی، مرتضی (۱۳۸۶)، «ضرورت گونه‌شناختی روش‌های مطالعه جامعه‌شناسی سیاسی ایران»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال دوم، شماره دوم.
- نیک‌گهر، عبدالحسین (۱۳۶۹)، *مبانی جامعه‌شناسی*، تهران: امیرکبیر.
- هدی، فرل (۱۳۹۰)، *مفاهیم تحول در نظام‌های سیاسی*، در: «بوروکراسی و توسعه در ایران»، ترجمه ابوالحسن فقیهی و حسن دانایی‌فرد، تهران: دانشگاه امام صادق.

Hagopian, Frances (2000), "Political Development, Revisited", *Comparative Political Studies*, Vol 33. No. 517.

Huntington, Samuel P. (1971), "The change to change: Modernisation, Development and politics", *Comparative Politics*, Vol 3, No 3.

Johari, J.C. (1991), *Comparative Poletics*, NewDelhi: Sterling publisher.

Kingsbury, Damien (2007), *political Development*, London and NewYork: Routledge.

Pye, Lucien W (1965), *The Concept of Political Development*, The Annals of the American Acadory of Political and Social Scince, Vol, 358.

Riggs, Fred W (1981), *The Rise and Fall of Political Development*. in the Handbook of Political Development. S. L. Long. NewYork: Plenum Press.

Sikander, Tasneem (2015), "Political Development and Political Decay", *International Jornal of Hmmanities and Social Seince*, Vol. 5, No. 3.

پیوست: جامعه آماری پژوهش^۱ (ویژگی‌های کتاب‌های مورد بررسی)

ردیف	نام کتاب‌ها و سال انتشار	نام نویسنده	مترجم
۱	ایران بین دو انقلاب (۱۳۷۷)	یرواند آبراهامیان	کاظم فیروزمند و دیگران
۲	جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی، تحلیل تطبیقی درون کشوری از مشارکت انتخاباتی در ایران (۱۳۷۷)	رحمت‌الله معمار	
۳	مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران (۱۳۷۷)	جان فوران	احمد تدین
۴	بنیان‌های ساختاری تحکیم دموکراسی تجربه دموکراسی در ایران، ترکیه و کره جنوبی (۱۳۸۹)	محمد فاضلی	
۵	دموکراتیزاسیون در ایران (۱۳۹۴)	علی ساعی	
۶	راه دراز گذار (۱۳۸۲)	محمد مهدی فرقانی	
۷	کشاکش دموکراسی و امنیت ملی در ایران (۱۳۹۶)	علیرضا رحیمی	
۸	موانع توسعه سیاسی در ایران (۱۳۸۰)	حسین بشیریه	
۹	عوامل تکوین و بازتولید استبداد در ایران (۱۳۸۹)	حبیب‌اله پیمان	
۱۰	ما ایرانیان (۱۳۹۴)	مقصود فراستخواه	
۱۱	رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۲)	غلامرضا خواجه‌سروی	
۱۲	جامعه‌شناسی سیاسی ایران مبتنی بر کنش ارتباطی (۱۳۸۹)	محمد شفیع	
۱۳	ایران پیش از سرمایه‌داری (۱۳۸۰)	عباس ولی	
۱۴	نظم و روند تحول گفتار دموکراسی در ایران (۱۳۸۴)	محمد جواد غلامرضا کاشی	
۱۵	مقایسه نقش نخبگان در فرایند نوسازی ایران و ژاپن (۱۳۷۸)	ناهید مطیع	
۱۶	مشروطه ایرانی (۱۳۸۲)	ماشاءالله آجودانی	
۱۷	تبیین جامعه‌شناختی ایدئولوژی و توسعه سیاسی در ایران معاصر (۱۳۸۹)	فرح ترکمان و امیر نیک‌پی	
۱۸	دولت و توسعه اقتصادی در ایران (۱۳۹۵)	عباس مصلی‌نژاد	
۱۹	روان‌شناسی نخبگان سیاسی ایران (۱۳۸۷)	ماروین زونیس	پرویز صالحی و دیگران
۲۰	دیبچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران (۱۳۸۰)	حسین بشیریه	
۲۱	موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه (۱۳۵۹)	احمد اشرف	
۲۲	چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت؟ (۱۳۸۰)	کاظم علمداری	
۲۳	علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران (۱۳۸۸)	بهرام اخوان کاظمی	
۲۴	مدرنیسم توسعه‌نیافتگی و از خودبیگانگی طبقه متوسط جدید در ایران (۱۳۹۵)	روزان حسام قاضی	

۱. با توجه به اینکه بخشی از جامعه آماری این پژوهش (شماره‌های ۱۱۸ تا ۱۴۵) مجموعه مقالات بوده‌اند، معیارهای رده‌بندی در مورد این مجموعه، قابل کاربرد نبوده است و در انتهای فهرست حاضر جای گرفته‌اند.

۲۵	موانع تاریخی توسعه‌نیافتگی در ایران (۱۳۸۰)	مصطفی وطن‌خواه
۲۶	دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران (۱۳۵۸)	فرد هالیدی
۲۷	جامعه مدنی، دولت و نوسازی در ایران معاصر (۱۳۸۱)	مسعود کمالی
۲۸	اقتصاد سیاسی ایران (۱۳۶۶)	همایون کاتوزیان
۲۹	توسعه و نوسازی ایران در دوره رضاشاه (۱۳۷۳)	محمدرضا خلیلی
۳۰	تعارض فرهنگی دولت و مردم در ایران (۱۳۸۰-۱۳۵۷) (۱۳۸۱)	علی ملک‌پور
۳۱	جامعه‌شناسی ایران، جامعه کژمدرن (۱۳۹۲)	حمیدرضا جلائی‌پور
۳۲	منازعات نخبگان سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۷)	امیر عظیمی دولت‌آبادی
۳۳	درآمدی بر خطوط قرمز در رقابت‌های سیاسی (۱۳۸۱)	اصغر افتخاری
۳۴	نظام سیاسی و توسعه (بررسی موردی نقش نظام سیاسی در روند توسعه ایران) (۱۳۷۸)	محمدرضا مایلی
۳۵	تمرکزگرایی و توسعه‌نیافتگی در ایران (۱۳۷۹)	محسن مدیرشانه‌چی
۳۶	دو نظام سیاسی-جغرافیایی در ایران (۱۳۸۸)	رسول افضلی
۳۷	ما چگونه ما شدیم؟ (۱۳۷۴)	صادق زیباکلام
۳۸	اقتدارگرایی ایرانی در عهد قاجار (۱۳۸۹)	محمود سریع‌القلم
۳۹	علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران (۱۳۷۱)	حسین تبریزیا
۴۰	استبداد، مسئله مالکیت، و انباشت سرمایه‌داری (۱۳۸۰)	احمد سیف
۴۱	موانع تحقق توسعه سیاسی در دوره سلطنت رضاشاه (۱۳۷۸)	خلیل‌الله سردارآبادی
۴۲	سرمایه اجتماعی، حلقه مقفوده در توسعه سیاسی ایران (۱۳۹۱)	محمد قادری
۴۳	دولت و حکومت ایران در دوره تسلط استعمار سرمایه‌داری (۱۳۸۹)	شاپور روانسانی
۴۴	تجدد و تجددستیزی در ایران (۱۳۸۲)	عباس میلانی
۴۵	چالش سنت و مدرنیته در ایران (۱۳۷۹)	محمدسالار کسرابی
۴۶	فرهنگ سیاسی در ایران (۱۳۸۹)	رشید جعفرپور کلودی
۴۷	دولت و جامعه در ایران؛ انقراض قاجاریه و استقرار پهلوی (۱۳۷۹)	همایون کاتوزیان
۴۸	دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران (۱۳۷۸)	امیرمحمد حاجی‌یوسفی
۴۹	دولت و نیروهای اجتماعی در عصر پهلوی اول (۱۳۸۲)	فرحناز حسام
۵۰	تبارشناسی استبداد ایرانی ما (۱۳۸۱)	هوشنگ ماهرویان
۵۱	فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی، مطالعه تطبیقی کره و ایران (۱۳۸۱)	دال سیونگ یو
۵۲	دریغ است ایران که ویران شود (۱۳۹۳)	فرامرز رفیع‌پور
۵۳	ایرانیان، دوره باستان تا دوره معاصر (۱۳۹۱)	همایون کاتوزیان
۵۴	مدرنیته‌زا یا تفکر عقیم، چالش تاریخی دولت مدرن و باروری علوم انسانی در ایران (۱۳۸۹)	مجید ادیب‌زاده

۵۵	راه دشوار اصلاحات، مؤلفه‌ها و موانع توسعه سیاسی (۱۳۷۹)	مجید محمدی
۵۶	موانع شکل‌گیری دولت توسعه‌گرا در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵)	کیانوش کیاکجوری
۵۷	مشروطه ناکام (۱۳۸۷)	مهدی رهبری
۵۸	جامعه‌شناسی خودمانی (۱۳۸۰)	حسن نراقی
۵۹	چرا عقب مانده‌ایم؟ جامعه‌شناسی مردم ایران (۱۳۸۲)	علی محمد ایزدی
۶۰	بحران در استبدادسالاری ایران (۱۳۹۰)	احمد سیف
۶۱	جامعه‌شناسی نخبه‌کشی (۱۳۷۷)	علی رضاقلی
۶۲	تقدیر مردم‌سالاری، نقش انتخابات در روند دموکراسی (۱۳۸۰)	محبوب شهبازی
۶۳	بوروکراسی و توسعه در ایران، نگاهی تاریخی-تطبیقی (۱۳۹۰)	ابوالحسن فقیهی
۶۴	سیاست در ایران، گروه‌ها، طبقات و نوسازی (۱۳۸۷)	جیمز آلن بیل علی مرشدی‌زاد
۶۵	درخشش‌های تیره (۱۳۷۰)	آرامش دوستدار
۶۶	تکوین سرمایه‌داری در ایران (۱۳۶۰)	محمدرضا فشاہی
۶۷	جستاری در عوامل بازدارنده احزاب سیاسی در ایران (۱۳۸۹)	حسین امیدوار
۶۸	امتناع تفکر در فرهنگ دینی (۱۳۸۳)	آرامش دوستدار
۶۹	پیچیدگی سیاست در ایران (۱۳۹۳)	ولی موسوی‌نژاد
۷۰	رفتار انتخاباتی در ایران، الگوها و نظریه‌ها (۱۳۸۸)	علی دارابی
۷۱	دیباچه‌ای بر فرهنگ استبداد در ایران (۱۳۸۰)	احمد نیری
۷۲	روایتی آسیب‌شناختی از کسب نظام و مردم در دهه دوم انقلاب (۱۳۸۱)	ناصر قبادزاده
۷۳	کالبدشکافی توسعه در ایران (۱۳۸۳)	محمد فراهانی
۷۴	تجدد بومی و بازاندیشی تاریخ (۱۳۸۱)	محمد توکلی طرقی
۷۵	بازخوانی جامعه‌شناسی سنت‌گرایی و تجددگرایی در ایران بین دو انقلاب (۱۳۸۳)	جواد افشارکهن
۷۶	درآمدی بر جامعه‌شناسی استبداد ایرانی (۱۳۸۸)	غلامرضا گودرزی
۷۷	ملاحظات در تاریخ ایران (علل تاریخی عقب‌ماندگی جامعه ایران) (۱۹۸۸)	علی میرفطروس
۷۸	جهانی‌شدن و دموکراسی در ایران (۱۳۸۵)	امیرمسعود شهرام‌نیا
۷۹	مشارکت سیاسی و اجتماعی نخبگان (۱۳۸۹)	محمدامین قانع‌راد
۸۰	در پیرامون خودمداری ایرانیان (۱۳۸۰)	حسن قاضی‌مرادی
۸۱	مردم‌سالاری چالش سرنوشت‌ساز ایران (۱۳۸۱)	حسین حیدریان
۸۲	جدال دموکراسی با استبداد در ایران (۱۳۸۳)	مهران امیراحمدی
۸۳	استبداد در ایران (۱۳۸۹)	حسن قاضی‌مرادی
۸۴	بالندگی و بازندگی ایرانیان، دلایل عقب‌ماندگی ایرانیان، آسیب‌شناسی جامعه ایران (۱۳۸۴)	جمال هاشمی
۸۵	مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۵)	محمدرحیم عیوضی

۸۶	بنیان‌های فکری نظریه جامعه ایرانی (۱۳۹۱)	تقی آزاد ارمکی
۸۷	دموکراسی و هویت ایرانی (۱۳۸۶)	پیروز مجتهدزاده
۸۸	انقلاب آرام، درآمدی بر تحول فرهنگ سیاسی در ایران معاصر (۱۳۸۱)	محمد رضا شریف
۸۹	خیزش‌های عقلانی‌شدن در طوع ایران مدرن (۱۳۹۲)	مجید ادیب‌زاده
۹۰	در تکاپوی مدنیت ایرانی (۱۳۸۵)	علی بزرگر
۹۱	تجددطلبی و توسعه در ایران معاصر (۱۳۷۷)	موسی غنی‌نژاد
۹۲	موانع حقوقی توسعه سیاسی در ایران (۱۳۷۹)	مهرانگیز کار
۹۳	فرهنگ و ساختار قدرت سیاسی در ایران (۱۳۹۳)	محسن علینی
۹۴	چرا عقب مانده‌ایم؟ علم عقب‌ماندگی یا عقب‌ماندگی علمی (۱۳۸۵)	کوروش مرشد
۹۵	نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب (۱۳۷۲)	علیرضا ازغندی
۹۶	مشارکت سیاسی طبقه کارگر در ایران (۱۳۸۷)	افشین حبیب‌زاده
۹۷	تأملی در مدرنیته ایرانی (۱۳۸۴)	علی میرسپاسی
۹۸	نوسازی و اصلاحات در ایران (۱۳۸۵)	احمد موثقی
۹۹	دولت و توسعه اقتصادی در ایران (۱۳۹۵)	عباس مصلی‌نژاد
۱۰۰	مشارکت سیاسی زنان (۱۳۸۰)	مهرانگیز کار
۱۰۱	فرهنگ سیاسی ایران (۱۳۸۹)	محمود سریع‌القلم
۱۰۲	بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر (۱۳۷۶)	علی اصغر کاظمی
۱۰۳	مجلس قانونگذاری و توسعه سیاسی ایران (۱۳۹۵)	علی محمد شریفی
۱۰۴	خودکامگی و فرهنگ (۱۳۸۰)	یحیی یثربی
۱۰۵	سهم فرهنگ سیاسی ایران در ناپایداری احزاب (۱۳۸۶)	محمد رضا علم
۱۰۶	در فضیلت مدنیت، نگاهی به نامدنیتهای سیاسی و اجتماعی در ایران (۱۳۹۱)	حسن قاضی‌مرادی
۱۰۷	دموکراسی و دشمنانش در ایران (۱۳۸۰)	احمد بخارایی
۱۰۸	توسعه و دموکراسی و دلالت‌های آن برای ایران (۱۳۹۴)	جعفر عبادی و دیگران
۱۰۹	شکاف‌های جامعه ایرانی (۱۳۹۴)	محمد رضایی
۱۱۰	طبقات اجتماعی و رژیم شاه (۱۳۸۰)	محمد رحیم عیوضی
۱۱۱	طبقه متوسط و تحولات سیاسی در ایران معاصر (۱۳۸۸)	محمد حسین بحرانی
۱۱۲	عقلانیت و توسعه‌یافتگی ایران (۱۳۹۰)	محمود سریع‌القلم
۱۱۳	نخبگان و تحول فرهنگ سیاسی در ایران دوره قاجار (۱۳۸۸)	نورالله قیصری
۱۱۴	مناسبات قدرت و قانون در ایران (۱۳۸۸)	عصمت کیخا
۱۱۵	سنت و مدرنیته (۱۳۷۸)	صادق زیباکلام
۱۱۶	تجربه بازی سیاسی در میان ایرانیان (۱۳۸۲)	محمد رضا تاجیک
۱۱۷	فرهنگ سیاسی ایران (۱۳۸۶)	عباس مصلی‌نژاد
۱۱۸	از فرهنگ تا توسعه؛ توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در ایران (۱۳۷۹)	ناصر فکوهی
۱۱۹	تجدد آمرانه؛ جامعه و دولت در عصر رضاشاه (۱۳۸۵)	تورج اتابکی
۱۲۰	اصلاح‌گری معمارانه (۱۳۷۹)	اکبر گنجی

۱۲۱	جامعه مدنی و ایران امروز (۱۳۷۷)	عبدالکریم سروش
۱۲۲	جمهوریت ناتمام (۱۳۷۹)	محمدحسن علیپور
۱۲۳	پیش‌درآمدی بر استبدادسالاری در ایران (۱۳۷۹)	احمد سیف
۱۲۴	مردم در سیاست ایران (۱۳۹۴)	یرواند آبراهامیان بهرنگ رجبی
۱۲۵	تحت‌ب و توسعه سیاسی، کتاب دوم: تحت‌ب در ایران (۱۳۷۸)	دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور
۱۲۶	بحران دموکراسی در ایران (۱۳۷۱)	ناصر ایرانی
۱۲۷	استبداد و اقتدارگرایی ویژگی‌های شخصیت عقب‌مانده (۱۳۸۳)	مسعود تهرانی
۱۲۸	مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران (۱۳۹۳)	یرواند آبراهامیان سپه‌یلا ترابی
۱۲۹	جامعه مدنی: اصول، رویکردها و زمینه شکل‌گیری آن در انقلاب اسلامی ایران (۱۳۷۸)	پژوهشکده مطالعات راهبردی
۱۳۰	تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی ایران (۱۳۷۰)	سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی
۱۳۱	دولت پنهان: بررسی جامعه‌شناختی عوامل تهدیدکننده جنبش اصلاحات (۱۳۸۹)	حمیدرضا جلالی‌پور
۱۳۲	فرهنگ سیاسی در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹)	سمیع فارسون و مهرداد مشایخی
۱۳۳	پهلویسم یا شبه‌مدرنیسم در ایران (۱۳۸۸)	مجتبی زارعی، رضا مختاری اصفهانی
۱۳۴	معمای حاکمیت قانون در ایران (۱۳۸۱)	عباس عبدی
۱۳۵	دولت مدرن در ایران (۱۳۸۶)	رسول افضلی
۱۳۶	توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی و امنیت (۱۳۷۸)	سیدمحمدخاتمی
۱۳۷	ترازوی دموکراسی در ایران (۱۳۷۸)	عمادالدین باقی
۱۳۸	جامعه سیاسی، جامعه مدنی و توسعه ملی (۱۳۸۰)	هوشنگ امیراحمدی
۱۳۹	حقوق مخالفان؛ ترسیم دموکراسی برای جامعه ایران (۱۳۸۱)	عمادالدین باقی
۱۴۰	تحت‌ب در ایران()	جمعی از مؤلفان
۱۴۱	ایران و دموکراسی (۱۳۷۲)	منوچهر صالحی
۱۴۲	فرایند گذار و موانع توسعه و دموکراسی در ایران (۱۳۸۰)	علی فرید یحیایی
۱۴۳	یقه‌سفیدها، جامعه‌شناسی نهادهای مدنی در ایران امروز (۱۳۷۹)	محمد قوچانی
۱۴۴	اسطوره استبداد و امتناع دموکراسی (۱۳۸۹)	احسان شاکری خوشی، علیرضا اسماعیل‌زاده
۱۴۵	درآمدی بر عقلانیت سیاسی در ایران (۱۳۸۴)	حسین امانیان